

## مقایسه دو روایت از قصه مهر و وفا در ادب عامیانه کردی با روایت فارسی شعوری کاشی

مهری پاکزاد<sup>۱\*</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳)

### چکیده

مهر و وفا از حکایت‌هایی است که روایت‌هایی از آن هم در ادب عامه کردی در قالب بیت (داستان‌هایی موزون و ملحون از راویان عامه به شیوه سینه‌به‌سینه و با صوت)، هم به شیوه قصه‌گویی شفاهی و نیز منظومه‌سرایی در ادب کلاسیک فارسی دیده می‌شود. در این جستار، قصه «مهر و وفا» و راویان آن در ادب فولکلور کردی معرفی و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با روایت‌های فارسی بررسی شده است. اگر بپذیریم راویان عامه و شاعران کلاسیک خالق اصلی و نخستین این داستان نیستند و منشأ داستان از جنبه حوادث تاریخی (زمانی)، محیط جغرافیایی (مکانی) و خالق اصلی در هیچ‌یک از منابع یافت نشده است، درباره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری روایت‌ها نمی‌توان حکمی صادر کرد؛ اما می‌توان گفت ماجرای مهر و وفا نخست به شیوه قصه رواج داشته و سپس الهام‌بخش بازسرایی و بازآفرینی شاعران و بیت‌خوانان شده است.

واژه‌های کلیدی: مهر و وفا، قصه، بیت، منظومه شعوری، فولکلور کردی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد (نویسنده مسئول)

\* mehri\_pakzad2004@yahoo.com

## ۱. مقدمه

پژوهش درباره بازتاب ادبیات در زبان‌های مختلف و یافتن پیوند میان پدیده‌های ادبی در دوره‌های گذشته یا عصر حاضر موضوع ادبیات تطبیقی است. ادبیات تطبیقی ساخت‌های هنری هر اثر را بررسی می‌کند و جزئی‌ترین نمادهای فکری در ایجاد اثر ادبی را می‌یابد. «در ادبیات تطبیقی، انواع ادبی مختص بعضی از ملت‌هاست، ولی انعکاس آن را در ادبیات سایر ملل می‌بینیم که جای بررسی دارد» (غنیمی هلال، ۱۳۷۲: ۳۲). ادبیات تطبیقی می‌تواند برقرارکننده پیوند روحی و معنوی میان ملت‌ها باشد. از آنجا که ادبیات بالاترین مرحله از کمال روح انسان است و بازمانده‌ها و پدیدآمده‌های ادبی نشان‌دهنده روحیات و معنویات هر ملت‌اند، پس می‌تواند پیوندهای اجتماعی و نزدیکی میان ملت‌ها فراهم کند. هیچ چیز به اندازه آثار هنری، فکری و تراوش‌های ادبی و ذهنی ملت‌ها نتوانسته است پیوندی فرهنگی میان آن‌ها برقرار کند. در طول تاریخ، جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های متعدد در میان اقوام سبب برتری دسته‌ای بر دسته دیگر شده که روابطی بین انسان‌ها ایجاد نکرده و ارتباط از راه هنر، ادب، شعر، موسیقی و دیگر پدیده‌های فکری انسان‌ها، از جمله دادوستد و بازرگانی پایدارتر از دیگر پدیده‌ها بوده است.

این پژوهش به‌منزله نمونه‌ای از آمیختگی ادب عامه با کلاسیک، غنای متون کهن ایران‌زمین را به علاقه‌مندان فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی نشان می‌دهد و جای خالی پژوهش‌های گسترده و مفید در بستر ادب عامیانه و مقایسه و تطبیق آن با ادب کلاسیک را یادآوری می‌کند. هریک از داستان‌های کهن عشقی - حماسی، حماسی - تاریخی، افسانه‌ای، نمادی یا اسطوره‌ای و جز آن‌ها را یا عامه مردم سینه‌به‌سینه نقل کرده‌اند و یا خالقی هنری با بازسرای، بازآفرینی و مکتوب کردن، آن‌ها را ماندگار کرده است. «مهر و وفا» از این‌گونه داستان‌ها با قدمتی مجهول است که در سده‌های اخیر، افرادی برای حفظ آن کوشیده و منظومه‌هایی به این نام سروده‌اند.

## ۲. پیشینه پژوهش

قادر فتاحی قاضی<sup>۱</sup> (۱۳۴۵) برای نخستین بار بیت (داستان ملحون و موزون) مهر و وفای رایج در ادب عامه کردی را با ترجمه فارسی و شرح و با همکاری انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران و چاپخانه شفق تبریز چاپ کرد؛ اما تاکنون در راستای مقایسه روایت‌های گوناگون آن پژوهشی صورت نگرفته است. این داستان نکته‌های جذاب و مجهولی دارد که با تطبیق و مقایسه با دیگر روایت‌ها آشکار می‌شود.

## ۳. منابع روایت داستان مهر و وفا

### ۳-۱. روایت‌های کردی

قادر فتاحی قاضی روایت اول آن را از زبان یکی از بیت‌بیژان (بیت‌خوانان/ راویان عامه) به نام مام<sup>۲</sup> احمد لطفی که سواد نداشته است، به شیوه ملحون با اشعار هجایی، شنیده و ثبت و ضبط کرده است. به گفته فتاحی قاضی، این شخص در سال‌های پس از ۱۳۱۰، در شهر کردنشین مهاباد در آذربایجان غربی می‌زیسته و از اهالی روستاهای اطراف بوکان بوده است. مام احمد لطفی پیش از آمدن به شهر زراعت و دامداری می‌کرده و سپس مشغول دادوستد محصولات کشاورزی شده است. همسر وی هم بیت‌بیژ بوده و بیت‌ها را بدون صوت و لحن بازگو می‌کرده است. هاشم سلیمی<sup>۳</sup> (۱۳۹۰) پژوهشگر ادبیات فولکلور کردی و اهل مهاباد می‌گوید: «من مام احمد را از نزدیک دیده بودم. مردی تنومند و هیکلی بود، بالعکس خانمش زنی بود با جثه‌ای کوچک. هر دو پیر اما خوش‌سخن و از اهالی محله یرزگیان شهرستان مهاباد بودند». فتاحی قاضی (۱۳۴۵: ۶۰) می‌گوید:

مام احمد دارای حافظه‌ای بسیار قوی بوده؛ چنان‌که غالب بیت‌ها و قسمت‌هایی از قرآن مجید و شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و اسکندرنامه را ازبر داشته و شب‌های زمستان در یکی از قهوه‌خانه‌ها برای مردم حکایت‌خوانی می‌کرده است. مام احمد از شاگردان «مامه شیر» بوده است. چون مرحوم «مامه شیر» او را مساعد برای فراگرفتن بیت‌ها یافته بوده است، در حلقه تعلیم بیت‌خوانی وی را بر دیگران مقدم می‌داشته و در غیاب خود اداره حلقه را به عهده او محول می‌کرده است.

دومین روایت عامیانه کردی نقل شفاهی داستان به شیوه نثر در کتاب **چیروک**، **افسانه‌ها و قصه‌های کردی** هاشم سلیمی است که روایت دیگری از بیت کردی مهر و وفاست؛ البته داستان از نظر ساختار، مفصل‌تر و منسجم‌تر است. در این کتاب، حکایت از زبان پیرمردی به نام مصطفی محمودزاده، ۱۰۲ ساله، بی‌سواد، کشاورز، اهل روستای کانی‌سیو مه‌باد و در سال ۱۳۷۸ روایت شده است (سلیمی، ۱۳۹۰: ۲۸۶).  
روایتی دیگر در مجله **کله پووری کورد** (۱۹۸۷) در سلیمانیه عراق چاپ شده است. بر پایه این روایت، در شهر سمرقند بازرگانی به نام «حسن» با دو زن زندگی می‌کرد که تا پیری بچه‌ای نداشت. بازرگان برای چاره‌جویی به خراسان رفت و در آنجا مهمان خانهای شد که دو نوزاد در آن نگهداری می‌شد. او یکی از نوزادها را با خود برد، او را مهر نامید و پس از پروراندن، او را برای تحصیل به خراسان فرستاد. نوزاد دیگر پسر پادشاه خراسان بود به نام وفا. مهر و وفا در یک محل و زیر نظر یک معلم تحصیل می‌کنند و میان آن‌ها دوستی شکل می‌گیرد؛ اما پس از چندی، سرنوشت آن دو را از هم جدا می‌کند. برای هر دو دشواری‌ها و مشکلات فراوانی پیش می‌آید تا اینکه پس از سال‌ها دوری به هم می‌رسند و خوشبخت می‌شوند. این سرگذشت را کاک احمد میرزا رستمی از زبان کاک ابراهیم رسول نبی، فراش کتابخانه عمومی شهر «رانیه» روایت کرده است.

### ۲-۳. روایت فارسی از شعوری کاشی

با مطالعه تذکره‌ها تنها چند مطلب جزئی درباره زندگی و آثار شعوری به دست می‌آید: وی اهل کاشان بود، در سده یازدهم و در زمان شاه اسماعیل صفوی می‌زیست، در اشعارش، شاه عباس صفوی و وزیر وی، اعتمادالدوله حاتم بیگ را ستود، شاگرد محتشم بود و دیوان اشعارش ۶ هزار بیت داشت (صبا، ۱۳۴۳: ۴۲۴؛ نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۲۹۵-۲۹۶؛ قربان‌پور آرای، ۱۳۸۹: ۱۶۹). نام این عاشق و معشوق دو بار در **دیوان حافظ** آمده است و نشان می‌دهد این داستان در زمان وی نیز شهرت داشته است:

اورنگ کو گلچهر کو، نقش وفا و مهر کو      حالی من اندر عاشقی داد تمامی می‌زنم  
(حافظ، ۱۳۷۳: ۴۶۷)

مقایسه دو روایت از قصه مهر و وفا در ادب عامیانه گُردی... \_\_\_\_\_ مهری پاکزاد

ما قصه سکندر و دارا نخوانده‌ایم از ما به جز حکایت مهر و وفا می‌رس  
(منتسب به حافظ، به نقل از فتاحی قاضی، ۱۳۴۵: ۵۴)

دو منظومه *مونس اخیار* و *مهر و وفا* در ادب فارسی از شعوری کاشی به کوشش حسین قربان‌پور آرانی و با همکاری نشر هستی‌نما و دانشگاه کاشان برای نخستین بار در زمستان ۱۳۸۹ چاپ شده است. منظومه مهر و وفا ۱۳۰۹ بیت دارد و در بحر هزج مسدس محذوف و وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن سروده شده است. از صفحه ۱۳۷ تا ۲۱۱ کتاب یادشده، به این منظومه اختصاص دارد.

در *لغت‌نامه* (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مهر و وفا») به نقل از *برهان قاطع* چنین آمده است: «نام مردی که بر زنی ماه‌نام عاشق بوده و قصه ایشان مشهور است». شعوری در چند جا از منظومه خود یاد کرده است؛ برای نمونه:

زَم مهر و وفا را حلقه در بر بر آن در چون دهم ترتیب گوهر  
(شعوری، ۱۳۸۹: ۱۵۶)

منظومه با مدح شاه عباس صفوی و وزیر او، حاتم‌بیگ آغاز شده و با نام وزیر نیز به پایان رسیده است. شعوری در آغاز یادآور می‌شود که منظومه را به دستور حاتم‌بیگ سروده است. از آنجا که وزیر شاه عباس در سال‌های ۱۰۰۰-۱۰۱۹ ق بر سر کار بود، زمان سرودن منظومه نیز باید در همان سال‌ها و نیمه نخست سده یازدهم بوده باشد. ابیات نشان می‌دهد شعوری منظومه را به وزیر تقدیم کرده است:

شبی گشتم قرین نکته‌سنجی که در اکتار معنی بود گنجی  
در آن دستان‌سرای ناگهانی فتادش ره به دلکش داستانی  
بیان قصه مهر و وفا کرد مرا نیکو به آن طرز آشنا کرد  
چو دانستم سرپای حکایت زبان شد مجلس‌آرای روایت  
به دستوری که زینت یافت محمل به یمن دولت دستور عادل  
بحمدالله که این شعر خوش‌انجام به توفیق خدا می‌یابد اتمام  
به نام او که نامش جاودان باد وجودش باعث امن و امان باد  
(همان، ۱۶۲)

فرجام کتاب:

به نامش ختم باد این شعر رنگین وز او بادش مدام اقبال تحسین

غبارش گُحل چشم علویان باد ز چشم بد وجودش در امان باد  
(همان، ۲۱۰)

از نشانه‌ها برمی‌آید که شعوری این منظومه را به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده است و همانند دیگر شاعران خلاق، نام داستان را تغییر داده و آن را در فضایی متفاوت از داستان نظامی به نظم کشیده است. شعوری در این منظومه، به تأثیرپذیری مستقیم از خسرو و شیرین اشاره نکرده است، اما فضای داستان، اشتراک در وزن، لفظ و مضمون و نیز مشابهت در موضوع‌ها و ترتیب آن‌ها در دو منظومه این تأثیر را نشان می‌دهد. تفاوت آشکار منظومه شعوری با اثر نظامی ایجاز در ذکر حوادث داستان و صرف‌نظر از حکایت‌پردازی در ضمن داستان است (قربان‌پور، ۱۳۸۹: ۲۲-۴۸).

### ۳-۳. منابع دیگر

هرمان‌اته (۱۳۵۶: ۱۱۷) معتقد است شاعری به نام ابومحمد رشیدی که در دوره غزنویان می‌زیست و معاصر مسعود سعد سلمان بود، این داستان را به نظم کشیده است؛ اما اشاره نکرده که نسخه خطی یا منبع اصلی منظومه رشیدی کجاست یا تاکنون به چاپ رسیده است یا خیر. قربان‌پور (۱۳۸۹: ۴۱) در مقدمه منظومه مهر و وفا نوشته است:

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی از احمد منزوی، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای تهران که به سال ۱۳۴۹ تنظیم شده، دو منظومه مهر و وفا فهرست شده است؛ یکی همین منظومه شعوری کاشی است و دیگری نسخه‌ای است در کتابخانه موزه بریتانیا و بدون نام گوینده. شیخ آقابزرگ تهرانی نیز چند منظومه مهر و وفا به شرح زیر فهرست کرده است: مهر و وفا از سالم تبریزی؛ از سمرقندی و از عرشی اکبرآبادی.

منبع دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. ذبیح‌الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات ایران درباره قصه «مهر و وفا» «عرشی دهلوی» گفته است:

مهر و وفای میر محمد مؤمن عرشی پسر میر عبدالله بن سید مظفر متخلص به وصفی و مشهور به مشکین‌قلم شاعر، قرن یازدهم هجری، سروده‌ای است به بحر

هزج مسدس محذوف یا مقصور که ۲۲۰۰ بیت دارد و شاعر مدعی است که داستان آن را خود ابداع کرده است و به خواهش دوستان به نظم درآورده است:

کنون وقتست کز روشن ضمیری      به نظم مثنوی آفاق‌گیری  
به بحر خسرو و شیرین سخن‌گو      سخن چون بلبل مست چمن‌گو  
سخن از قصه مهر و وفاست      به گوش عشق حرف آشنایست  
بیارا صورت این قصه بکر      به رنگ افروزی مشاطه فکر...  
... من آن که بستم از ره فکر      به لفظ و معنی آمد مریم بکر...  
ز بس این قصه نو دلگشا شد      به عالم نام این مهر و وفا شد

منظور از این کار طبع‌آزمایی یا نظیره‌گویی (هم‌چشمی) با خسرو و شیرین نظامی

بوده است (صفا، ۱۳۸۹: ۱۳۱۰/۲)۵.

از منظومه مهر و وفای عرشی دهلوی نسخه‌ای به شماره ۱۱۰۰ supp در کتابخانه ملی پاریس موجود است که بلوشه آن را اشتباهاً به طهماسب قلی بیگ یزدی متخلص به عرشی نسبت داده است (فهرست نسخ خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، ۳/ ۳۷۸، پاورقی؛ صفا، ۱۳۸۹: ۱۳۱۴/۲)۵.

#### ۴. بیت در ادب فولکلور کردی

بیت داستان‌های ملحون فولکلوریک کردی است که اشعارشان بیشتر هجایی، بر پایه شیوه بیان راوی و گاه ترکیبی از نظم و نثر است. «این کلمه (بیت) از دیرباز تا هم‌اکنون نیز زبانزد و معروف مردم خاص و عام کرد است. بیت با سبک و شیوه خاصی از طرف گویندگان و خوش‌خوانان خوش‌ذوق و هنرمند سروده یا بازخوانی شده است» (فتاحی قاضی، ۱۳۴۵: ۶).

بیت‌خوان‌ها رویدادهای مهم و تأثیرگذار را در قالب بیت (داستان‌های شعرگونه و ملحون)، به شیوه داستان‌سرایی و بیشتر بر وزن اشعار هجایی در می‌آوردند. سپس آن را با لحنی خاص در دستگاه‌ها، گوشه‌ها و مقام‌های آوازی<sup>۴</sup> در شب‌های رمضان، در مجالس برای اعیان و در مسجدها، تکیه‌ها، منازل و قهوه‌خانه‌ها برای عامه مردم می‌خواندند و در مقابل دستمزد می‌گرفتند. بیت‌ها بیشتر مانند ترانه، وزن هجایی دارند نه وزن عروضی. هوشنگ کامکار، موسیقی‌دان معاصر معتقد است رگه‌هایی از ساختار

«اپرا» را می‌توان در بیت‌های فولکلور کردی جست‌وجو کرد؛ زیرا ضمن رعایت کشش‌ها و زیروبم‌های خاص برای بیان احساس، گاه ریتم بیان تند و گاه ملایم با توجه به محتوا اجرا می‌گردد (مصاحبه شخصی با هوشنگ کامکار، استاد موسیقی و موسیقیدان معاصر).

بیت «آمیزه‌ای از نوعی هنر و ادب مردمی و بومی کردی، شبیه داستان یا حکایت در ترکی آذربایجانی، ترانه‌های اسکاتلندی و بریتانیایی و ویسی<sup>۵</sup> دانمارکی و رمانس<sup>۶</sup> اسپانیایی و بیلینا<sup>۷</sup> روسی می‌باشد» (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۷). واژه بیت با اصطلاح ادبی رایج در زبان فارسی که به دو مصراع یک شعر گفته می‌شود، متفاوت است.

کلمه بیت و چند واژه مشابه به آن در موسیقی و آثار فولکلوریک سایر نقاط کشور نیز به کار رفته است. چنان‌که در آذربایجان، ترانه‌های محلی که عاشق‌ها (نوازنده ساز و خواننده) می‌خوانند، بیاتی یا «بویاتی» می‌نامند. همچنین بنابه نوشته ابوالقاسم فقیری در کتاب *ترانه‌های محلی*، نوعی ترانه در فارس وجود دارد که آن را «واسونگ» یا بیت می‌نامند (فتاحی قاضی، ۱۳۴۵: ۷).

برعکس آوازهای آذری (عاشیق‌ها)، در بیت‌خوانی از هیچ سازی استفاده نمی‌شود، بلکه بخش‌هایی از داستان را راویان به شیوه قصه‌گویی و روایت‌گری و بخش‌های دیگر را به شیوه ملحون با آهنگی سوزناک، حماسی، پندآموز یا عاشقانه اجرا می‌کنند. برای ارائه دیدگاهی علمی درباره موسیقی، گوشه‌ها و دستگاه‌هایی که بیت‌ها در آن اجرا می‌شوند لازم است موسیقی‌دانان اهل فن با گوش‌دادن، فهمیدن محتوا و تلفیق شعر و الحان به نتیجه‌های قطعی برسند. بیت‌خوان به تناسب محتوای بیت و روحیه‌اش، مقام یا گوشه‌ای از دستگاه‌های موسیقی را انتخاب و در فراز و فرود آن سیر می‌کند، البته نه به وسعت ردیف‌خوانی به شیوه آواز سنتی ایران. این منظومه‌ها بیشتر طولانی و مفصل‌اند؛ زیرا زمینه‌هایی مانند اسطوره، وقایع تاریخی، حماسی، عشقی و رویدادهای مهم زندگی دارند.

بیت به سبب داشتن شکل منظوم آوازی، به‌روشنی از نوع دیگر داستان‌های کردی، حکایت یا «چپروک»<sup>۸</sup> (داستان) متمایز است و آوازخوان خلاف همتای آذربایجانی خود، «عاشق»، از ساز بهره نمی‌برد. این منظومه‌ها از نظر وزن و قافیه با اشعار



مقایسه دو روایت از قصه مهر و وفا در ادب عامیانه گردی... \_\_\_\_\_ مهری پاکزاد

معمولی اختلاف کلی دارند. وزن این بیت‌ها طوری است که به شیوه ملحون خوانده می‌شود (همان‌جا).

اسکار مان<sup>۹</sup>، خاورشناس آلمانی، در دوره مظفرالدین شاه قاجار و در سفری پژوهشی به منطقه مکریان (غرب ایران)، ۱۷ بیت و دو داستان از زبان بیت‌خوانان محلی گردآوری کرد، به خط لاتین نوشت و آن را با نام *تحفه مظفریه* به پادشاه وقت تقدیم کرد. اسکار مان و هیمن – شاعر معاصر گرد که این کتاب را از لاتین به رسم‌الخط گردی برگرداند و مقدمه مفصل و مفیدی بر آن نوشت – این داستان‌های ملحون و هجایی عامیانه را بیت خوانده‌اند. آن دو این نام را از عوام شنیده و همان را ثبت کرده‌اند. از این نوع داستان‌ها می‌توان به بیت ناصر و مال‌مال، خج و سیامند، دمدم، سیده‌وان، زنبیل‌فروش، شیخ صنعان، لیل و مجروم (لیلی و مجنون)، شیرین و فرهاد، خوازی کانه‌بی، سوارو، کاکه‌میر و کاکه‌شیخ، برایموک، شهم و شه‌مزین و حتم اشاره کرد.

با گذشت زمان و پیشرفت جوامع، روزه‌روز نسل بیت‌خوانان کمتر می‌شود. از بیت‌خوانانی که تاکنون در جشنواره‌های موسیقی سراسری ایران شناسایی شده‌اند و از آن‌ها تجلیل شده است، امروزه شمار اندکی باقی مانده‌اند. اکنون باید پرسید با ازبین‌رفتن این بیت‌خوانان، دیگر چه کسی برای احیای این سنت دیرینه می‌کوشد و با تکرار و شرح و بسط آن، این واژه‌ها و اصطلاحات اصیل زبانی و داستان‌های سینه‌به‌سینه و ارزشمند را از خطر نابودی مصون می‌دارد؟

در منظومه *حسرو و شیرین* نظامی (۱۳۷۲: ۲۵۴)، «بیت» در معنای اشعار آهنگینی آمده است که با نواختی خاص خوانده می‌شود. شاید بیت برای فرهاد به‌منزله کارآوا بوده است.

هنگامی که قاصدی به دروغ، خبر مرگ شیرین را به فرهاد که مشغول تیشه‌زنی است، می‌دهد:

از آن آتش که در جان و جگر داشت      نه از خویش و نه از عالم خبر داشت  
به یاد روی شیرین بیت می‌گفت      چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت

(نظامی، ۱۳۷۲: ۲۵۴)

همان‌طور که از مضمون بیت دریافت می‌شود واژه «بیت» بیانگر دو معناست: یکی آواز بیاتی (از الحان موسیقی) و دیگری، دسته‌ای شعر آهنگین که فرهاد هنگام کوه‌کنی و تیشه‌زنی می‌خواند. «بیت می‌گفت» به این معنا نیست که فرهاد تک‌بیت مشخصی برای شیرین می‌خواند، بلکه با توجه به گردبودن مادر نظامی و منطقه جغرافیایی روی-دادن داستان (غرب ایران) طبیعی است واژه‌ای چون «بیت» که شاید از «بیاتی» گرفته شده، به معنای نوعی شعر رایج در میان مردم باشد. البته این واژه هنوز در زبان کردی، با همین تلفظ و معنا به کار می‌رود.

در بیت‌های کردی دو گفتار بسیار برجسته است: الف) بیت‌ها در تحریک عواطف و احساسات مردم مؤثرند؛ ب) شنیدن بیت‌ها با صدا و روایت سوزناک و پرشور بیت-خوانان از خواندن آن‌ها از روی نوشته حظ بیشتری دارد. ساختار بیت بیانگر نوع خاص ادبی است که در زیرمجموعه هیچ یک از قالب‌های شعر کلاسیک نمی‌گنجد.

#### ۵. خلاصه متن مهر و وفا در سه روایت

پیش از بیان خلاصه روایت‌ها، پرسش‌هایی در ذهن شکل می‌گیرد که کدام روایت ممکن است قدیم‌تر باشد و یا کدام از دیگری تأثیر گرفته است؟ تفاوت‌ها و شباهت‌های روایت‌ها در چیست؟

#### ۵-۱. خلاصه داستان مهر و وفا به روایت شعوری

آغاز داستان چنین است که در مصر، شاهزاده‌خانمی به نام «مهر» پس از شنیدن حکایت عابدی در سرزمین ارمن از دایه‌اش، از پدر اجازه می‌خواهد به دیدار عابد برود. در راه به شاهزاده‌ای به نام «وفا» بر می‌خورد که با چند نفر برای شکار آمده است. شاهزاده به دنبال آهوئی از سپاه جدا می‌شود، به کاروانگاه مهر می‌رود و با دیدن زیبایی او عاشقش می‌شود. وفا پس از بی‌تابی و بی‌قراری از عشق مهر، پیشکار درگاه او را تطمیع می‌کند تا از خواست مهر آگاه شود. پس از آن، مهر نیز با دیدن چهره شاهزاده، دل از دست می‌دهد. وفا نام و پیشه‌اش را می‌گوید و مهر با شنیدن نامش، او را پیش خود می‌نشانند و دستور مجلس آرای می‌دهد. لشکریان وفا در طلب او از راه می‌رسند و وفا به اجبار با

آنان می‌رود. از آن سو، مهر نزد عابد می‌رود و دعا طلب می‌کند. عابد وصال مهر با وفا را وعده می‌دهد و او را به صبر دعوت می‌کند. پس از رسیدن مهر به مصر، پادشاه بیمار می‌شود و پس از نصیحت‌های بسیار به دخترش، از دنیا می‌رود. مهر بر تخت شاهی می‌نشیند و قاصدی را به سوی وفا روانه می‌کند و او را به پادشاهی بر می‌انگیزد. وفا با لشکرش به سوی مصر روانه می‌شود و مهر با هدایای فراوان به استقبال او می‌آید. وفا بر تخت می‌نشیند و پس از فراغت از امور ملک، به دیدار مهر می‌شتابد و مهر به کابین وفا در می‌آید. از ازدواج مهر و وفا، چهار پسر زاده می‌شود و یکی از آنها به نام حقیقت به پادشاهی می‌رسد. در پایان داستان نیز مهر پس از وفات وفا، در فراق او زاری می‌کند تا دست اجل او را نیز نزد وفا می‌برد.

## ۲-۵. خلاصه بیت مهر و وفا در ادب فولکلور کردی

آغاز بیت به زبان کردی:

سەر هه‌لینه پروانه: توۆان، ته‌له‌سمان...، له‌گه‌ل گه‌ری ده دوگمانه... نه‌تۆ ده‌زانی خودا چاک‌کی به ئیمه داوه!... چونکه عه‌زیه‌ت و عازاپمان گه‌لیک کیشاوه خودا دو‌عای قه‌بوول کردین. چاک‌کی به من و تو داوه.<sup>۱</sup>  
Sar halena brvana: toqan, talasm nê la gal gari da d gm nê ato dazani  
xoda kî bae ma dava nê onk azyat u azabm ngalek ke ava xoda doay  
qab lrdin. aki bam n ou dta

مهر (= میتر)، دختر خواجه‌حسن وزیر و وفا، پسر ابراهیم پادشاه مغرب‌زمین با هم به مکتب می‌رفتند. آن‌ها کم‌کم عاشق هم می‌شوند، اما چون مهر جامه پسرانه می‌پوشید وفا از دختر بودن او آگاه نبود. روزی هنگام شنا در چشمه مقدس «شیخان»، مهر به وفا گفت بیا از خدا بخواهیم یکی از ما را دختر کند تا بتوانیم با هم ازدواج کنیم. در ادامه، مهر هنگام شست‌وشو در چشمه ناگهان فریاد می‌زند که خدا او را به دختری تبدیل کرده است. پدر وفا به علتی نامعلوم، با عشق و ازدواج آنان مخالف بود و برای دور کردن وفا از مهر، او را به سفر حجاز برد. پادشاه در این سفر از دنیا رفت. در غیاب وفا، خواجه‌حسن وزیر عکس و نام و نشان دخترش را در جعبه‌ای گذاشت و به آب سپرد تا اگر پادشاهی آن را یافت و در پی آن به مغرب‌زمین آمد، مهر را به او بدهد. این جعبه به دست ملک‌شجاع، پادشاه فرنگستان می‌افتد. ملک‌شجاع با سپاه و مال بی‌کران به مغرب‌زمین می‌آید و مهر را از خواجه‌حسن خواستگاری می‌کند. مهر که عاشق وفا

بود، هرگز به این امر راضی نمی‌شد و از ملک‌شجاع می‌خواست تا از این ازدواج صرف‌نظر کند. ملک‌شجاع نپذیرفت و او را به فرنگستان برد.

وفا از سفر حج برگشت و از شنیدن خبر بسیار دل‌مشغول شد. مادرش او را نصیحت می‌کرد که مهر را فراموش کند و دعا می‌کرد که وفا رنگ‌وبوی خود را از دست دهد تا مهر نتواند او را بازشناسد. وفا به دنبال مهر و برای یافتن او، از شهر خارج شد. مهر چون می‌دانست وفا در هر حال به دنبالش خواهد آمد، در راه به پیرزنی سپرد که اگر جوانی با چنین نام و نشانی به اینجا آمد، او را به فرنگستان روانه ساز. چیزی نگذشت که وفا قدم بدان دیار نهاد. پیرزن او را از احوال مهر آگاه ساخت. وفا برای ناشناس ماندن، جامه ساربانان به تن کرد. روزی مهر برای گردش به صحرا رفته بود، وفا که پیوسته چشم به راهش بود، به او نزدیک شد و حال دل گفت.

وفا رنگ‌وبوی پیشین را نداشت و مهر او را نشناخت. وفا ناامید و افسرده برگشت و مادر دعا کرد به حالت اول برگردد. صبا نکهت وفا را به مشام مهر رساند و او باور کرد که آن جوان عاشق وفا بوده است. از سوی دیگر، شب وصال مهر و ملک‌شجاع نزدیک می‌شد. مهر بار دیگر از او خواست از این ازدواج چشم‌پوشی کند. ملک‌شجاع نپذیرفت و مهر غمگین و دل‌شکسته بازگشت. مهر در شب حجله، ملک‌شجاع را با کارد کشت و به زندان افتاد. وزیران که کشتن او را صلاح نمی‌دانستند، وی را به پادشاهی دیگر می‌فروشدند. مهر هفت پادشاه را به همین شیوه نابود می‌کند. فرجام آنکه سپاه اسلام و سپاه فرشتگان به یاری آنان می‌شتابند و آنان را از دست دشمنان می‌رهانند. مهر و وفا به مغرب‌زمین باز می‌گردند و به هم می‌رسند (فتاحی قاضی، ۱۳۴۵: ۵۷).

### ۳-۵. خلاصه قصه کردی مهر و وفا

پادشاهی با علاقه‌مندی بسیار به شکار، دو زن داشت که بچه‌هایشان زنده نمی‌ماند. روزی پادشاه تصمیم گرفت زنی کرمانج<sup>۱۱</sup> بگیرد تا شاید از او وارثی بماند. فردای آن روز پادشاه به شکار رفت و در سر راه، دختری زیبا با پیراهنی آبی دید که در مراسم عروسی‌ای می‌رقصد. شاه پس از پرس‌وجو دختر را عقد می‌کند. نه ماه بعد، زایمان عروس فرا می‌رسد. هووها حسادت می‌کنند، نوزاد دختر را در صندوقی می‌گذارند و

در آب رهایش می‌کنند؛ سپس به پادشاه خبر می‌دهند عروس به جای بچه، توله‌سگ زاییده است. شاه خشمگین می‌شود و دستور کشتن زن را صادر می‌کند. اما پس از مدت‌ها، شاه زن بی‌گناهِش را می‌یابد و بدخواهان را به سزای اعمالشان می‌رساند.

در بغداد شخصی به نام تاجر نعمان از طریق ماهیگیرها و اتفاقی، صندوق را می‌یابد و نوزاد را به فرزندی قبول می‌کند. تاجر کودک را مهر می‌نامد و از ترس مردم، همیشه لباس مردانه بر تن او می‌کند. از قضا، مهر هم‌درس وفا، پسر شاه، می‌شود و آن دو دل به هم می‌بازند. وقتی پرده از حقیقت مهر برداشته می‌شود پادشاه با ازدواجشان مخالفت می‌کند، وفا را به سفر حجاز می‌برد و دستور می‌دهد تا مهر را شوهر بدهند یا بفروشند. خواجه‌نعمان عکس<sup>۱۲</sup> مهر را به بازار می‌برد تا اگر کسی خوشش آمد، او را بفروشد. سرانجام، خواجه مهر را به تاجری جهود می‌فروشد. تاجر جهود مهر را برای هدیه به پسر پادشاه زنگیان می‌دهد. وفا پس از بازگشت، از جریان فروختن مهر باخبر می‌شود، نامه مهر را از ماموستا می‌گیرد و خواجه‌نعمان را می‌کشد. مادر وفا او را نفرین می‌کند که از چشم مهر بیفتد.

وفا به شهر زنگیان می‌رود و به یاری کچل و پیرزن مهر را می‌یابد، به دربار نفوذ پیدا می‌کند و پس از پشیمان‌شدن مادرش از نفرین، مهر او را بار دیگر می‌شناسد. مهر در حجله عروسی، پسر شاه زنگیان و پس از او، هفت پادشاه دیگر را می‌کشد و نمی‌گذارد هیچ‌کدام او را تصاحب کنند. جهود بار دیگر مهر را نصف قیمت از وزیر می‌خرد تا برایش کنیزی کند. وفا سوار بر اسب، به کشتی جهود وارد می‌شود. مشیت الهی سبب می‌شود کشتی در وسط دریا سه تکه شود و هر تکه به جایی برود. تکه وفا به شهری می‌رسد که تنها یک دروازه دارد. دختر حاکم این شهر درصدد به‌دست آوردن وفا بر می‌آید. وفا فرار می‌کند و به روستایی می‌رسد که از قضا، مهر در آن ساکن است. مهر لباس مردانه پوشیده بود تا کسی او را نشناسد. وفا شب در مسجد می‌ماند، در حالی که آن دو همدیگر را نشناخته‌اند. هنگام خواب، وفا از مهر کاسه‌ای آب می‌خواهد و مهر می‌گوید: «مگر من نوکر بابای تو هستم». بین آن‌ها دعوا می‌شود و با لنگه کفش به سر و صورت یکدیگر می‌زنند. آن شب هر دوی آن‌ها از ترس خوابشان نمی‌برد. هنگام اذان و وضو، حضرت «خضر زنده»<sup>۱۳</sup> بر آن‌ها ظاهر می‌شود و آنان از او

می‌خواهند به چهارده‌سالگی برگردند. خضر به آن‌ها می‌گوید: از این راه بروید. دو چشمه طلا و نقره می‌بینید که تنها برای شما خلق شده است. مهر خود را به چشمه نقره می‌افکند و وفا به چشمه طلا می‌رود. وقتی وفا به مهر نگاه می‌کند او را زیباتر از همیشه می‌یابد. هر دو جوان می‌شوند، به بغداد بر می‌گردند و با مادرهایشان با شادی زندگی می‌کنند. دسته‌ای گل و دسته‌ای نرگس، مرگتان را نبینم هرگز و هرگز (ر.ک: سلیمی، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۳۰۸).

## ۶. مقایسه روایت‌ها

### ۶-۱. شباهت‌ها

۱. در هر دو منظومه، مهر آغازگر عشق است.
۲. در هر دو منظومه، تنها دو شخصیت اصلی مهر و وفا وجود دارد و بقیه بسیار کم‌رنگ و حوادث ملایم و بی‌شور و هیجان است.
۳. در هر سه روایت گفتاری (دو روایت کردی و روایت منظوم شعوری)، اشخاصی نقش مرشد، راهنما و مژده‌رسان دارند؛ مانند پیرزن، ماموستا، دایه، عابد و استاد.
۴. در هر سه روایت گفتاری، پدر مهر غیر از او فرزندی ندارد.
۵. در هر سه روایت گفتاری، مادر مهر نقشی جز به دنیا آوردن او ندارد.
۶. در هر سه روایت گفتاری، زبان راوی در نقل داستان روان و بسیار موجز است. از نظر داستانی نیز حوادث بسیار ساده و طبیعی‌اند؛ حتی خلاف داستان‌های عشقی که هنجارشکنی دارند، این داستان سیری طبیعی و کم‌هیجان دارد؛ مانند آشنایی عاشق و معشوق، خواستگاری و ازدواج. هیچ حادثه خاصی در داستان نیست.
۷. در هر سه روایت، قاصد و پیک دیده می‌شود؛ یکی در نقش مرد و دیگری در نقش پیرزن.
۸. در هر سه روایت، نامه‌نگاری وجود دارد و نقش پیک و نامه مهم است.
۹. در هر سه روایت، مهر و وفا به وصال هم می‌رسند و با روزگاری خوش و خرم زندگی می‌کنند.

۸. زمان و مکان در هر سه روایت مبهم است. با اینکه نام شهرها و سرزمین‌ها آمده است چیزی از مبهمات و تاریخ قصه برای خواننده آشکار نمی‌شود.

## ۲-۶. تفاوت‌ها

۱. در روایت منثور مهر و وفا، هر دو از آغاز به یک اندازه همدیگر را دوست داشتند و نقش وفا برای دنبال کردن مهر پررنگ‌تر به نظر می‌رسد.
۲. در روایت کردی به شیوه قصه، شخصیت‌ها از دو روایت شعوری و بیت کردی بیشترند؛ مانند خواجه‌نعمان، پدر وفا، مهر و وفا، مادر هر دو، پیرزن، کچل، دختر پادشاهی دیگر، تاجر یهود، شاه زنگیان، نازنین کنیز و جز آن‌ها. در حالی که در دو روایت دیگر، داستان بسیار محدود و گویی از نصف ماجرا بازگو شده است.
۳. در روایت شعوری، نقش پدر مهر بسیار برجسته است: مهر برای رفتن به زیارت عابد در خاک ارمن، باید از پدر اجازه بگیرد. پدر در پایان زندگی، مهر را نزد خود می‌خواند و او را نصیحت می‌کند. شعوری نزدیک ۲۵ بیت در نصیحت پدر به دختر درباره بی‌اعتباری دنیا، رفتار با رعیت و برقراری عدالت سروده است. اما در دو روایت کردی، پدر نقش اساسی در پند و اندرز فرزند ندارد و حتی در کار عاشق و معشوق گره می‌اندازد. در روایت شعوری، اول پدر مهر می‌میرد؛ اما در روایت کردی، پدر وفا در سفر حجاز می‌میرد و پدر مهر (پدرخوانده مهر به روایت قصه منثور) به دست وفا کشته می‌شود؛ در حالی که مادرها دوره پیریشان را نزد مهر و وفا می‌گذرانند.
۴. در منظومه شعوری، نام پدر مهر و وفا ذکر نشده است، در حالی که در منظومه کردی، نام پدر مهر خواجه‌حسن و نام پدر وفا ابراهیم پادشاه است. در روایت منثور، مهر در اصل فرزند شاهی بوده است.
۵. در روایت عامیانه کردی (بیت)، پدر مهر وزیر ابراهیم پادشاه بود، اما در روایت فارسی، میان پدر مهر و وفا هیچ رابطه‌ای وجود ندارد و مهر و وفا هر دو شاهزاده‌اند؛ مهر شاهزاده مصر و وفا شاهزاده سرزمینی دیگر. در قصه منثور عامیانه کردی، مهر فرزند شاهی بود که هیچ بچه‌ای نداشت و طی رویدادهایی بسیار، به دست

تاجری به نام خواجه نعمان پرورش یافت. نام پدر وفا ذکر نشده و تنها عنوان «شاه بغداد» برای معرفی او آمده است.

۶. در هر سه روایت، دعا و تأثیر آن دیده می‌شود؛ با این تفاوت که در روایت فارسی، عابد دعا می‌کند مهر به آرزویش برسد، او را به صبر رهنمون می‌کند و مژده وصل می‌دهد. در روایت‌های کردی، مادر وفا دعا می‌کند پسرش از چشم مهر بیفتد و بر سر تاج و تخت پدر برگردد و دعایش هم مستجاب می‌شود. اما در آخر داستان، وقتی می‌بیند چاره‌ای ندارد و وفا همچنان شهر به شهر و کو به کو دنبال مهر می‌گردد، این بار دعا می‌کند وفا به آرزویش برسد. بدین ترتیب با اجابت دعا، پیوند مهر و وفا ادامه می‌یابد.

۷. تفاوت آشکار روایت عامیانه (قصه منتور) با دیگر روایت‌ها آن است که در این روایت، شکل‌گیری داستان بسیار ریزبینانه، با رعایت آغاز و اوج‌ها و فرودهای مختلف و شیرین است و همانند داستانی واقعی، خواننده را به دنباله‌گیری حوادث و ماجراها وامی‌دارد. بسیاری از قسمت‌ها در روایت شعوری و بیت‌کردی نیست، درحالی‌که در روایت شفاهی قصه یادشده از زبان پیرمردی روستایی به چشم می‌خورد. البته داستان با داستان‌های کهن دیگر و قصه‌های قرآن نیز آمیخته شده و این ویژگی داستان به روایت عامیانه است.

## ۷. نتیجه‌گیری

تفاوت‌ها و شباهت‌های این سه روایت نشان می‌دهد در کشاکش زمان، روایت‌ها دستخوش تغییر، بازآفرینی و بازسرایبی شده و بی‌شک، راویان در بازگویی آن‌ها سلیقه شخصی خویش را دخالت داده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان با اطمینان گفت کدام روایت کهن‌تر از دیگری و کدام اصلی‌تر و کامل‌تر است.

در این داستان خلاف داستان‌های عاشقانه فارسی، اظهار نیاز و عشق بیشتر از سوی معشوق است و این دو موضوع (یعنی عشق و نیاز) گویا به سبب تأثیر اندیشه‌های وقوعی در داستان‌های عاشقانه فارسی از قرن دهم به بعد است. بیت مهر و وفای کردی جزو داستان‌های رمانتیک به‌شمار می‌رود، یعنی داستانی است شاعرانه و ادبی و نباید در



مقایسه دو روایت از قصه مهر و وفا در ادب عامیانه کردی... \_\_\_\_\_ مهری پاکزاد

آن منتظر صحنه‌های عجیب بود. در این داستان از احوال درونی عاشق و معشوق، سوز و گداز عاشقانه، زیبایی‌های مهر، رشادت و فداکاری وفا، اندوه فراق، سرسختی عشق و پندپذیری عاشق و معشوق سخن به میان آمده است. داستان مهر و وفا در یک کلمه که «عشق» نام دارد، خلاصه می‌شود:

بیار ساقی سرمست جام باده عشق  
بده به رغم مناصح که می‌دهد پندم  
(سعدی، ۱۳۶۶: ۲۹۹)

به دو شخصیت اصلی داستان مهر و وفا، به صورت نمادین نیز می‌توان نگریست. مهر عاشق وفا می‌شود؛ همان‌گونه که انسان‌ها با مهری در دل، به دنبال وفا و وفاداری-اند و اگر برای مهر وفاداری یافت شود، زاده آن دو «حقیقت» خواهد بود.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. از مدرسان ادبیات دانشگاه تبریز بوده است و اکنون دوران بازنشستگی خویش را می‌گذراند. محل زندگی وی تبریز، ولی اصالتاً کرد مهابادی است.
۲. مام: در لهجه کردی مهابادی به معنای عموست. در لهجه مناطق سقز، سنندج، مریوان و بانه، عمو را مامو تلفظ می‌کنند.
۳. هاشم سلیمی در کتاب *چیروک و نه‌فسانه‌کانی موکریان*، متن اصلی قصه را به زبان کردی چاپ کرده و آن را براساس *طبقه‌بندی افسانه‌های ایرانی* اثر اولریش مارزلف، ایران‌شناس مشهور آلمانی، در گروه افسانه‌های اجتماعی - عامه با کد ۱۳۳۲-۸۹۴ تیپ‌شناسی کرده است.
۴. هنوز مشخص نشده است الحان بیت‌های کردی در چه جایگاهی از موسیقی مقامی ایران قرار می‌گیرند، دیرینگی آن‌ها کاملاً مجهول است و تاکنون هیچ پژوهشی درباره جنبه موسیقایی و الحان بیت‌ها در ایران صورت نگرفته است.

5. vise

6. Romance

7. Bylina

8. Chiruk

9. Oskar mann

۱۰. برگردان: به سوی بالا بنگر، به طوق‌ها، طلسم‌ها، دعای ما قبول شده است. بدان [که این] کار سبجان [خدا] است. تو می‌دانی خدا خوب به ما داده است؛ زیرا ما اذیت و عذاب بسیار کشیده‌ایم. خدا دعای ما را قبول کرد، تو را به من بخشیده است.

۱۱. "Kirmanc" در اینجا به معنی روستایی است، البته کورمانج یا کرمانج به معنی کرد نیز آمده است. برخی معتقدند واژه کورمانج از دو واژه کور+ مانج، به معنی پسر ماه آمده است که کلمه مانج همان مانگ به معنی ماه است، ولی حرف «گ» به مرور تبدیل به «ج» شده است.
۱۲. از متن داستان برمی آید این قصه قدمت بسیار دارد. در آن زمان، دستگاه عکاسی نبوده و گویا منظور راوی از این کلمه، تصویر و چهره نقاشی شده مهر بوده است.
۱۳. حضرت خضر در فرهنگ دینی مردم کرد، هنوز زنده، سیاح و راه بلد است و برای کارهای نیک گام برمی دارد.

### منابع

- اته، هرمان (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه رضا زاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۸). *دیوان*. تهران: علمی و سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *دیوان غزلیات*. به کوشش خلیل خطیب‌رهبر. چ ۱۴. تهران: صفی‌علیشاه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: سازمان لغت‌نامه.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۶). *کلیات*. به کوشش محمدعلی فروغی. چ ۳. تهران: محمدی.
- سلیمی، هاشم (۱۳۹۰). *چیروک، افسانه‌ها و قصه‌های کردی*. تهران: آنا.
- شرف‌کندی، عبدالرحمان (۱۳۶۹). *فرهنگ هه‌نبانه‌بورینه*. تهران: سروش.
- شعوری کاشانی (۱۳۸۹). *منظومه‌های مونس‌اخیار و مهر و وفا*. به کوشش حسین قربان‌پور آرانی. تهران: هستی‌نما/ کاشان: دانشگاه کاشان.
- صبا، محمد مظفر (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*. به کوشش محمدحسین رکن‌زاده آدمیت. تهران: چاپ اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۹). *تاریخ ادبیات ایران*. ج ۵. چ ۱۱. تهران: فردوسی.
- غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۲). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- فتاحی قاضی، قادر (۱۳۴۵). *منظومه کردی مهر و وفا*. تبریز: دانشگاه تبریز.

مقایسه دو روایت از قصه مهر و وفا در ادب عامیانه کُردی... \_\_\_\_\_ مهری پاکزاد

- قربان پور آرانی، حسین (۱۳۸۹). مقدمه بر منظومه‌های مونس اخیار و مهر و وفا از شعوری کاشی. تهران: هستی‌نما/ کاشان: دانشگاه کاشان.
- مان، اسکار (۱۳۶۴). *تحفه مظفریه*. ترجمه محمدامین شیخ‌الاسلامی. مهاباد: سیدیان.
- مصطفی‌نژاد، علی (۱۳۸۹). *تحلیل آثار سواره ایلیخانی زاده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مهاباد: دانشگاه آزاد مهاباد.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۶۱). *تذکره نصرآبادی*. به کوشش حسن وحید دستگردی. تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
- نظامی گنجوی (۱۳۷۲). *کلیات خمسه*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش پرویز بابایی. تهران: نگاه.
- «داستان مهر و وفا» (۲۰۰۳). *که له پووری کورد*. ش ۱۳. سلیمانیه عراق. راوی کاک احمد میرزا رستمی از زبان کاک ابراهیم رسول نبی، فراش کتابخانه عمومی «شهر راینه» در سال ۱۹۸۷م. صص ۴۹-۵۰.
- مصاحبه شخصی با هوشنگ کامکار، استاد موسیقی و موسیقیدان معاصر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی